

ارزش‌ها، شبکه روابط و مشارکت در سازمان‌های غیردولتی

(مطالعه تجربی در بین جوانان تهران)

محمدامین قانع‌راد، فریده حسینی

سازمان‌های غیردولتی پدیده‌ای جدید در حیات اجتماعی جوامع محسوب می‌شوند که رشد شتابان آن‌ها از نیمه دوم قرن بیستم و در پی مسائل ناشی از جهانی شدن و بحران دولت رفاه آغاز شده است. این سازمان‌ها به دنبال بسیج نیروهای مردمی و داوطلب برای بهبود وضعیت جامعه، رفع کاستی‌ها، بروز و ظهور دیدگاه‌ها و دست‌یابی به توسعه پایدار هستند. این مطالعه به دنبال بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر مشارکت جوانان در سازمان‌های غیردولتی است. بدین منظور با بررسی نظریه‌های مختلف جامعه‌شناسان کلاسیک و نظریه‌های انسجام اجتماعی، جنبش‌های اجتماعی جدید و سرمایه اجتماعی به بیان نظری مسئله تحقیق پرداخته شده است. در این پژوهش، سازمان‌های غیردولتی نمود جنبش‌های جدید پنداشته شده و با توجه به الگوی فرانظری کلمن ارزش‌های فرامادی و نیز سرمایه اجتماعی افراد بر مشارکت آن‌ها در این سازمان‌ها مؤثر فرض شده و با روش پیمایش فرضیات بررسی شده‌اند. جامعه آماری جوانان ۳۰-۱۴ ساله ساکن مناطق مختلف شهر تهران می‌باشند و حجم نمونه ۳۷۵ نفر است. اطلاعات مورد نیاز با کاربرد پرسشنامه جمع‌آوری شده و مورد تجزیه و تحلیل آماری قرار گرفته‌اند. نتایج نشان می‌دهد که هر چه ارزش‌های فرامادی در جوانان بیشتر باشد، سرمایه اجتماعی در آنان بیشتر و مشارکت آن‌ها در سازمان‌های غیردولتی بیشتر است. جوانان دارای پایگاه اجتماعی اقتصادی بالاتر و دارای تحصیلات بیشتر مشارکت بیشتری در این سازمان‌ها دارند. همچنین مشارکت دختران جوان کمتر از پسران جوان بوده است. پایگاه اجتماعی اقتصادی بالاتر یا داشتن ارزش‌های فرامادی و سرمایه اجتماعی بیشتر همراه است. دانشجویان و دانش‌آموزان نیز ارزش‌های فرامادی و سرمایه اجتماعی و در نتیجه مشارکت بیشتری در سازمان‌های غیردولتی جوانان داشته‌اند.

مفاهیم کلیدی: سازمان‌های غیردولتی، جوانان، مشارکت، سرمایه اجتماعی، ارزش‌های فرامادی، جنبش‌های اجتماعی جدید.

۱. مقدمه و طرح مسئله

سازمان‌های غیردولتی^۱ (NGOs) در نیمه دوم قرن بیستم رشد چشمگیری داشته‌اند. شرایط جهانی و بروز مسائل مختلف ناشی از جهانی شدن و سیاست‌های توسعه‌ای خاص، در حاشیه ماندن برخی گروه‌ها و هویت‌ها، مشکلات زیست‌محیطی و بهداشتی، به همراه کاهش نقش دولت‌ها و ناتوانی آن‌ها در حل این مسائل یا عدم توجه آن‌ها به این مقوله، حاملان جامعه مدنی و تشکل‌های داوطلب را به عنوان نیرویی مؤثر به صحنه آورده و پی‌گیر مطالبات خود نموده است؛ چنین سازمان‌هایی در پاسخگویی به بسیاری از مشکلات دنیای مدرن، پی‌گیری مطالبات اقشار مختلف، کمک به توسعه پایدار و ایجاد زمینه‌ای برای مشارکت در توسعه توانایی زیادی دارند و در واقع رکن سوم جامعه را تشکیل می‌دهند. در برنامه‌های توسعه و نوسازی در ایران، توجه چندانی به مشارکت مردم و ایجاد ساز و کارهایی جهت واگذاری برخی اختیارات تصمیم‌گیری و اجرایی به آن‌ها نشده است؛ همچنین بی‌ثباتی‌ها و عدم امنیت اجتماعی و تسلط حوزه دولتی بر حوزه خصوصی، زیست‌جهان افراد را با مشکلات زیادی مواجه کرده و نگرش‌های دنیاگريزانه و فردگرا مجال ظهور یافته است. در نتیجه آنچه اهمیت زیادی پیدا کرده حفظ حوزه خصوصی و منافع فردی است و توجه به مصالح جمعی و پیگیری آن در این میان مطرح نبوده است، گسترش این امر در اقدامات توسعه‌ای اخیر به همراه محدودیت‌های ساختاری برای مشارکت، تعلق خاطر افراد را نسبت به مصالح جمعی و امور عمومی و احساس قدرت تأثیرگذاری بر آن‌ها را کاسته است. حال آن‌که اصل اساسی جوامع کنونی مشارکت مردم و حضور مؤثر آن‌ها در عرصه عمومی است. نکته دیگر وضعیت جوانان به عنوان قشری با ظرفیت‌های متنوع و کمیت زیاد است که با عدم توفیق در به دست آوردن موقعیت اجتماعی و اقتصادی به سمت رفتارهای انفعالی و مجرمانه کشیده می‌شوند. به طوری که احساس تنهایی، ناامیدی، بی‌برنامگی، ابطال وقت، احساس بی‌قدرتی و ناتوانی در تأثیرگذاری در وضع موجود از ویژگی‌های آن‌ها محسوب شده است (منطقی، ۱۳۸۳) شاید بتوان گفت آنچه به نوعی در کاهش مسائل و مشکلات جوانان و کمک به هویت‌یابی آن‌ها مؤثر است، داشتن پیوندهای گروهی مختلف و اتصال به جامعه بزرگ‌تر می‌باشد که به نوبه خود باعث ایجاد علاقه و تعهد نسبت به جنبه‌های مختلف حیات جمعی و مشارکت بیشتر افراد در امور جامعه می‌گردد. این امر می‌تواند جوانان را از نیرویی مسئله‌ساز به نیرویی سازنده تبدیل کند. یکی از ساز و کارهای مؤثر در این جهت سازمان‌های غیردولتی و مشارکت در آن‌ها است.

1. Non-governmental Organizations

شرایط جامعه ایران و مسائل و مشکلات مختلف که اغلب ناشی از برنامه‌های نامتوازن توسعه می‌باشد، مشارکت مردم و پی‌گیری خواسته‌ها و اجرای برنامه‌ها را از طریق تشکل‌های غیردولتی ایجاب می‌کند. این سازمان‌ها متشکل از نیروهای داوطلب می‌باشند و در پی‌گیری امور مغفول و دست‌یابی به توسعه پایدار نقش مهمی دارند. با توجه به این‌که عضویت و فعالیت در چنین سازمان‌هایی داوطلبانه و اختیاری و بدون نفع اقتصادی می‌باشد، باید دید افراد تحت چه شرایطی از حوزه خصوصی خود خارج می‌شوند و به کنشی با هدف خیر جمعی دست می‌زنند. درگیری افراد در کنش مشارکتی، گذر از منافع شخصی و همکاری با دیگران، از عوامل مختلفی متأثر است. مسئله تحقیق این است که چه عوامل اجتماعی می‌تواند باعث حضور و مشارکت جوانان در سازمان‌های غیردولتی شود. این سازمان‌ها هنگامی می‌توانند به اهداف و مطالبات خود دست یابند که با خواست افراد برای فعالیت و مشارکت هر چه بیشتر عمل کنند. ایجاد و تأسیس این سازمان‌ها از سوی دولتمردان و با کمک‌های دولتی و حضور جوانان در این سازمان‌ها به نحوی صورتی، سازمان‌های غیردولتی را از کارکرد واقعی خود باز می‌دارد. بنابراین ضرورت انجام دادن پژوهش‌هایی به منظور شناخت عوامل اجتماعی مؤثر در مشارکت جوانان در این سازمان‌ها احساس می‌شود. به‌خصوص که در دنیای کنونی چنین سازمان‌هایی می‌توانند بخش مهمی از جامعه‌پذیری جوانان را بر عهده بگیرند و نیز از این طریق بخشی از امور جامعه به جوانان محول می‌شود.

در تحقیقات و مطالعات موجود در زمینه سازمان‌های غیردولتی و مشارکت در آن‌ها تأثیر ساختارهای قانونی و دیوانسالاری در رشد و گسترش سازمان‌های غیردولتی (سعیدی، ۱۳۸۲) و تأثیر ساختار درونی آن‌ها بر مشارکت افراد (قراخانی ۱۳۸۲) مورد بررسی قرار گرفته است. برخی پژوهشگران نیز با تأکید بر اهمیت مشارکت، میزان و دلایل مشارکت در فعالیت‌های فوق برنامه (مقنی‌زاده ۱۳۷۴) و یا تشکل‌های صنفی (ابراهیمی ۱۳۸۱) را مورد توجه قرار داده‌اند. برخی از پیمایش‌های انجام شده نیز مشارکت در انجمن‌های داوطلبانه را با رویکردی توصیفی مورد توجه قرار داده‌اند (محسنی، ۱۳۷۹؛ محسنی و اعزازی، ۱۳۸۲؛ سازمان ملی، جوانان ۱۳۸۰). با توجه به فقدان مطالعات تبیینی در خصوص عوامل جامعه‌شناختی مؤثر بر مشارکت در سازمان‌های غیردولتی، سؤال اصلی پژوهش این است که «عوامل اجتماعی زمینه‌ساز مشارکت جوانان در سازمان‌های غیردولتی کدامند؟» این سؤال کلی چند مسئله جزئی‌تر را در بر می‌گیرد:

— آیا نوع ارزش‌های جوانان بر مشارکت آن‌ها در سازمان‌های غیردولتی تأثیرگذار است؟

— آیا سرمایه اجتماعی افراد بر مشارکت آن‌ها در سازمان‌های غیردولتی مؤثر است؟
 — آیا مشارکت افراد در سازمان‌های غیردولتی بر حسب متغیرهای زمینه‌ای (شخصی) متفاوت است؟

برای پاسخگویی به این سؤالات، در بخش دوم مقاله زمینه‌های نظری بررسی می‌شوند و با تأکید بر نظریه‌های جنبش‌های اجتماعی جدید و سرمایه اجتماعی، مسئله تحقیق به صورت نظری طرح می‌شود. در بخش سوم، مدل تحلیلی و فرضیات تحقیق بیان می‌شوند. بخش چهارم مقاله به معرفی روش تحقیق می‌پردازد و در بخش پنجم یافته‌های تحقیق و روابط بین متغیرها ارائه می‌گردند. بخش پایانی مقاله به ارائه نتیجه‌گیری پژوهش اختصاص دارد.

۲. زمینه‌های نظری

در این پژوهش، زمینه‌های نظری مرتبط با بحث سازمان‌های غیردولتی به‌طور گسترده و در چهار دسته کلی نظریات کلاسیک، نظریه انسجام اجتماعی، نظریات جنبش‌های اجتماعی جدید (اینگلههارت، مازلو، تورن، هابرماس، گیدنز، کاستلز، ملوچی، رابرتسون) و نظریه سرمایه اجتماعی (کلمن، پاتنام، فوکویاما، بوردیو) نظریه شبکه و شبکه‌های اجتماعی مشارکت مورد بررسی قرار گرفته‌اند، ولی در این نوشتار تنها آن بخش از نظریات جامعه‌شناختی که سرانجام پژوهشگران را در بیان نظری مسئله تحقیق یاری رسانده‌اند به‌طور مختصر آرایه می‌شوند.

نظریات کلاسیک: نظریه پردازان کلاسیک مانند الکسی دو توکویل (۱۳۴۷) و نیز امیل دورکیم (۱۳۵۹) در نظریات خود به بررسی انجمن‌های داوطلبانه می‌پردازند. توکویل بر فضای زندگی انجمنی در جامعه تأکید می‌کند و مهم‌ترین وسیله کنترل دولت را وجود انجمن‌های اجتماعی می‌داند که چشم مستقل جامعه را تشکیل می‌دهند و مشارکت در ابعاد وسیع‌تری از جامعه را میسر می‌سازند. دورکیم نیز انجمن‌ها را در جامعه نوین امری ضروری می‌داند و آن را به مثابه راهی برای درمان بیماری‌های جامعه جدید مطرح می‌کند. به نظر او وقتی که گروه‌های اختصاصی تشکیل می‌شوند و فعالیت‌هایی درون آن‌ها بسط و توسعه پیدا می‌کند، نه تنها جامعه در این امر ذی‌نفع است، بلکه فرد نیز در این گروه‌ها منبع رضایت خاطر خود را می‌یابد. هر قدر که انسان با جاذبه‌های زندگی انجمنی آشنا شود، نیاز به آن را بیشتر احساس می‌کند و در هیچ فعالیتی نیست که این جاذبه‌ها را جیست و جو نکند. گرد هم آمدن افراد مشترک‌المنافع فقط برای دفاع از منافع خود نیست، بلکه برای این است که لذت در جمع بودن را دریابند و با عده‌ای یک واحد را بسازند و احساس نکنند در محیطی دشمن‌کام گم شده‌اند.

نظریات جنبش‌های اجتماعی جدید: اصطلاح جنبش‌های اجتماعی جدید^۱ برای توصیف جنبش‌هایی از قبیل جنبش دانشجویی، جنبش حقوق مدنی، جنبش صلح، و جنبش‌های ضد نژادپرستی استفاده می‌شود که از دهه ۱۹۶۰ در عرصه حیات اجتماعی اهمیت یافته‌اند. از آنجا که این جنبش‌ها ویژگی‌هایی دارند که آن‌ها را از جنبش‌های پیشین متمایز می‌کند و نیز در متن صورت‌بندی فرهنگی و اجتماعی جدیدی ظاهر شده‌اند و نمادی از مناسبات جدید قدرت هستند، به آن‌ها جنبش‌های اجتماعی جدید می‌گویند. در واقع، سازمان‌های غیردولتی، تبلور نهادین این‌گونه جنبش‌ها می‌باشند. اینان حاملان پروژه مدرنیته نیستند، بلکه برای پایان دادن به یأس فرهنگی و بحران بی‌معنایی زندگی روزمره و پیگیری جنبه‌های غفلت شده به فعالیت می‌پردازند (جلایی‌پور، ۱۳۸۱: ۲۷).

این‌نگلهارت (۱۳۷۳) مهم‌ترین عامل شکل‌گیری این جنبش‌ها را خیزش ارزش‌های پسامادی^۲ یا فرامادی می‌داند. به نظر او با پیدایش جامعه پیشرفته صنعتی اولویت‌های ارزشی مردم، از تأکید بر ارزش‌های مادی به تأکید بر ارزش‌های فرامادی تحول یافت، یعنی از بیشترین اولویت به حیات طبیعی و ایمنی به تأکید بسیار بر لزوم تعلق و دلبستگی به دیگران، حق ابراز نظر و کیفیت زندگی انتقال پیدا کرد. این‌نگلهارت خیزش جنبش‌های جدید را بازتاب تصادم جهان بینی‌های مادی و فرامادی می‌داند. به نظر او مشارکت در این جنبش‌ها حاصل کنش متقابل تعدادی از عوامل است: یکی از این عوامل حضور مسائل عینی مانند کم‌اهمیت دادن به محیط، استثمار زنان، در حاشیه بودن هویت‌ها و اقلیت‌ها، و سردی و بی‌روحی جوامع صنعتی است (همان: ۴۱۷). عامل دیگر نظام ارزشی است. عمل جمعی تا حد زیادی نیروی حرکت خود را از ارزش‌های بنیادین که بازیگران به آن‌ها اعتقاد دارند می‌گیرد. ارزش‌ها انگیزه لازم را برای عمل فراهم خواهند کرد. این‌نگلهارت براساس دو فرضیه اجتماعی شدن و کمیابی بیان می‌کند که رفع نیازهای مادی و امنیتی انسان نیازهای وابسته به سطوح بالاتر را فعال می‌کند. در چنین شرایطی افراد به دنبال روابط اجتماعی، خویشتریبی و قدر و منزلت می‌روند و به موضوعاتی مانند نابرابری‌های اجتماعی، آزادی بیان، مسئله زنان، محیط زیست و صلح اهمیت می‌دهند. بنابراین ارزش‌های فرامادی تا حدی مشارکت افراد را در چنین فعالیت‌هایی توجیه می‌کند. عامل دیگر تجهیز شناختی است. تجهیز شناختی فراگرد بسیج اجتماعی است که مردم از انزوای جسمی و روحی و سنت‌هاکنده می‌شوند. افق دیدشان فراتر از ارتباط کلامی رفته و ارتباطشان با سیاست ملی بیشتر می‌شود. تأثیر ارزش‌ها بر رفتار سیاسی نیز در میان افرادی که دارای سطوح بالای

تجهیز شناختی هستند از همه بیشتر است. بنابراین مشارکت دموکراتیک توسط ارزش‌های معطوف به ابراز خود، خویش‌یابی، قدر و منزلت و همکاری با دیگران فراخوانده می‌شود. به نظر تورن در جامعهٔ پسااصنعتی مبارزه برای بر خورداری مردم از حق انتخاب و کنترل زندگی خود انجام می‌گیرد. در چنین جامعه‌ای جنبش‌های اجتماعی که دائماً در قلب حیات اجتماعی جریان دارند مستقیماً بر سر شرایط حق تعیین سرنوشت مبارزه می‌کنند (نش، ۱۳۸۰: ۱۶۴). تورن جامعهٔ معاصر را به دلیل تحمیل و همانندسازی دچار بیگانگی می‌داند. هر گاه که کشمکش بر ضد این بیگانگی آغاز شود، آن‌گاه زمان شروع جنبش‌های اجتماعی جدید است. ساز و کار آن بدین‌گونه است که بخش حاشیه‌ای جامعه از پذیرش نقش انتسابی خود سر باز می‌زند و انجام دادن کنشی را شروع می‌کند که بر خود تعیین‌کنندگی متمرکز است. تورن جنبش‌های جدید را «هویت‌ی» می‌داند که حول هویت و اجتماعات سازمان می‌یابند و معطوف به ارزش‌های رایج مورد انتقال و ارزش‌های جدید است و به دنبال به عهده گرفتن مسئولیت سمت‌گیری‌های عمومی جامعه می‌باشد (تورن، ۱۳۸۱).

هابرماس جنبش‌های اجتماعی جدید را واکنشی در برابر استعمار زیست‌جهان^۱ و نیز راهی برای استعمارزدایی از آن محسوب می‌کند. زیست‌جهان که در سطح خود (حوزهٔ خصوصی) و کلان (حوزهٔ عمومی) مطرح است، حیطهٔ کنش‌های تفاهمی، توافق، معنا و روابط ذهنی و بنابراین مبنای کنش ارتباطی است. نظام، قلمروی کنش‌های عقلانی معطوف به هدف و خرده‌نظام‌های عقلانی تمایز یافته و تخصصی - اقتصاد و دولت - است. در جامعهٔ سرمایه‌داری متأخر احکام الزام‌آور و ضرورت‌های حاکم بر نظام موجب تشدید تنش‌ها و از بین رفتن توان بالقوهٔ زیست‌جهان می‌شود که هابرماس به آن استعمار زیست‌جهان می‌گوید که پیامدهای آن فقدان آزادی یعنی شیء گشتگی فرایندهای مفاهمه و ارتباطات و فقدان معنا، و ناتوانی ابزارهای مدیریتی و احکام اداری در خلق سنت‌های فرهنگی است (نوذری، ۱۳۸۱: ۳۶۴). از نظر هابرماس جنبش‌های اجتماعی جدید در مرز بین زیست‌جهان و نظام سر بر آورده‌اند و به چالش علیه فقدان آزادی و معنا برخاسته‌اند. کنش‌های ارتباطی نقش اساسی در این جنبش‌ها دارد (پدرام، ۱۳۷۵). هابرماس فعالیت افراد در انجمن‌ها را که دور از سلطهٔ اقتصاد و دولت هستند ناشی از جست و جوی کیفیت زندگی، حقوق انسانی، تحقق خویش و مبارزه با جریان‌های سرکوبگر می‌داند (همان ۱۳۸۱: ۳۷۷).

گیدنز، با اشاره به مخاطرات دنیای مدرن، ادراک آن‌ها توسط افراد و احساس ناامنی وجودی

ناشی از آن، به واکنش‌های مختلفی که در برابر این احساس برانگیخته می‌شوند می‌پردازد و جنبش‌های اجتماعی جدید را واکنشی مبتنی بر درگیری ریشه‌ای در مقابل این مخاطرات، یعنی مقابله عملی در برابر سرچشمه‌های پنداشته شده خطر، می‌داند. حاملان این واکنش معتقدند که اگر چه در محاصره مسائل عمده قرار گرفته‌ایم، ولی می‌باید نیروهایمان را برای کاستن تأثیر این مسائل و یارهایی از آن بسیج کنیم (گیدنز، ۱۳۸۰: ۱۶۴).

کاستلز جامعه کنونی را جامعه شبکه‌ای^۱ می‌نامد که در عصر جهانی شدن و با کاربرد فزاینده تکنولوژی‌های اطلاعاتی و ارتباطاتی در حال گسترش است. او افزایش حضور انجمن‌ها و سازمان‌های غیردولتی را در عصر جهانی شدن و جامعه شبکه‌ای از دو جهت مد نظر قرار می‌دهد: ۱. کاهش نقش دولت، ۲. هویت‌یابی در جامعه شبکه‌ای. به نظر کاستلز در عصر جهانی شدن توانایی‌های دولتی ملی تضعیف شده است و این امر قدرت و مشروعیت آن‌ها را در برخورد با بسیاری از مسائل کاسته است. این امر جوامع مدنی را به صورتی فزاینده به سمت در دست گرفتن مسئولیت‌های شهروندی جهانی می‌راند. بنابراین بسیاری از سازمان‌های غیردولتی تبدیل به نیروهایی عمده در عرصه بین‌المللی شده‌اند. همچنین پیدایش جامعه شبکه‌ای فرایندهای برساختن هویت را زیر سؤال می‌برد و بدین ترتیب نوع جدیدی از تغییر اجتماعی خلق می‌کند. در چنین جامعه‌ای هویت به سرچشمه اصلی معنا و تجزیه زیستن تبدیل می‌گردد. کاستلز رشد فزاینده جنبش‌های کنونی را که خط سیر آن را سازمان‌های غیردولتی می‌داند، در نحوه هویت و معنایابی افراد و در ساختار جامعه شبکه‌ای جست و جو می‌کند. افراد و گروه‌های طرف شده در این جامعه برای معنایابی حول هویت‌های مقاومت جمع می‌شوند و از اصول مورد حمایت خود دفاع می‌کنند که استمرار آن به هویت برنامه‌دار و ایده تغییر شکل کل ساخت اجتماعی تبدیل می‌شود. متناقض‌نمای سیاست‌های هر چه محلی‌تر در دنیایی که توسط فرایندهای جهانی شکل گرفته پدید می‌آید که حاصل آن تولید هویت و معنا است (کاستلز، ۱۳۸۰).

ملوچی مبارزات جنبش‌های اجتماعی جدید را مبارزاتی بر سر هویت می‌داند. این جنبش‌ها به فراسوی محدوده‌های فعلی نظام می‌نگرند و تجسم‌بخش نیازهای عمومی جدید می‌باشند که معضلات و موضوعات را بیان می‌کنند. به نظر او این مبارزات تلاشی است برای وادار کردن دیگران به پذیرش چیزهایی که خود اعضا آن‌ها را قبول دارند. افراد به این دلیل به مشارکت در جنبش‌ها ترغیب می‌شوند که این مشارکت به آن‌ها معنی می‌دهد و نیازهای

1. Net-work Society

شخصی‌شان را برآورده می‌کنند. به نظر ملوچی، شکل‌گیری جنبش‌ها و عمل جمعی منوط به شکل‌گیری هویت جمعی است که نگرشی ذهنی بر پایه شرایط واقعی می‌باشد و روابطی را بین کنشگران برقرار می‌کند که فرایند درگیری در کنش جمعی را تسهیل می‌نماید. گسترش این امر انگیزشی برای مشارکت بیشتر فراهم می‌کند. (ملوچی، ۱۹۸۹).

با توجه به این نظریات، می‌توان گفت که آنچه سبب مشارکت افراد در انجمن‌ها و سازمان‌های غیر دولتی است جست و جوی هویت و معنا و وجود نوعی ارزش‌های خاص در کنشگران اجتماعی است. نیاز افراد به روابط اجتماعی، احترام، حیثیت، تحقق خود که ناشی از زیر سؤال رفتن منابع پیشین هویتی می‌باشد، باعث اشکال خاصی از کنش جمعی می‌شود. در شرایطی که افراد نیاز به معنا، هویت، تحقق خود، احترام و روابط دارند این امور برای آن‌ها ارزشمند می‌شوند. بنابراین ارزش‌های افراد به سمت ارزش‌های خودشکوفایی، عزت و احترام، حیثیت و تعلق خاطر... معطوف می‌شود و زمینه را برای مشارکت افراد در کنش‌های جمعی که می‌تواند این نیازها را ارضا نماید فراهم می‌کند. بنابراین ایجاد سازمان‌های غیردولتی را می‌توان ناشی از ارزش‌های فرامادی و میل افراد به خودشکوفایی، جست و جوی هویت و معنا دانست. این افراد واقعیت‌های پنهانی و مغشوش را در امور سیاسی و اجتماعی درک کرده‌اند و خارج از خودشان مسئله‌ای دارند که نسبت به آن احساس وظیفه می‌کنند. آن‌ها در انجام دادن کنش خود به دنبال رفع نیازهای اولیه و مادی نیستند، بلکه به دلیل احساس همدردی نسبت به انسان، توجه به محیط و آرمان‌ها، طرح ادعاها و خواسته‌ها و پیشرفت و تجلی منش خود به این کنش دست می‌زنند.

اما هنگامی که این سازمان‌ها را بر اساس نظریات جنبش‌های اجتماعی جدید توضیح می‌دهیم، بخش فردی و جهت‌گیری کنش کمتر مورد تأکید است چرا که جیمز کلنن در بیان الگوی فرانظری خود معتقد است: اینکه شرایط اجتماعی و ارزش‌ها می‌توانند سازمان‌های اجتماعی خاصی را شکل دهند یک قضیه کلان اجتماعی است و در سطح سیستم باقی می‌ماند (کلنن، ۲۱: ۱۳۷۷). لذا برای تبیین مشارکت افراد در سازمان‌های غیردولتی می‌توان به نظریه سرمایه اجتماعی اشاره کرد و مشارکت افراد را از خلال کنش‌های سطح خرد توضیح داد.

نظریات سرمایه اجتماعی: نظریات سرمایه اجتماعی^۱ بر انجمن‌های داوطلبانه تأکید و تمرکز خاص دارند. این نظریات را می‌توان به سه دسته تقسیم کرد:

1. Social Capital

۱. دیدگاه‌های کلان‌نگر: این دیدگاه سرمایه اجتماعی را به مثابه دارایی جمعی در نظر می‌گیرد. به نظر پاتنام، سرمایه اجتماعی به ارتباطات بین افراد - یعنی شبکه‌های اجتماعی و هنجارهای همکاری متقابل و اعتمادی که از این شبکه‌ها برمی‌خیزد - مربوط است که همکاری و هماهنگی را برای منافع اجتماعی تسهیل می‌کند. در این معنا سرمایه اجتماعی با آنچه برخی فضیلت مدنی می‌نامند مرتبط است (پاتنام، ۲۰۰۰). همکاری‌های داوطلبانه در جامعه‌ای که سرمایه اجتماعی عظیمی را در شکل هنجارهای عمل متقابل و شبکه‌های مشارکت مدنی به ارث برده است بهتر صورت می‌گیرد. همکاری‌های داوطلبانه و انجمن‌ها به وجود سرمایه اجتماعی بستگی دارند. کسانی که برای مدت طولانی سرمایه اجتماعی به دست آورده‌اند، می‌توانند برای حل مشکلات، ترتیبات نهادینی ایجاد کنند (پاتنام، ۱۳۸۰). تعهد مدنی مستلزم وظایف متقابل و مسئولیت‌پذیری برای کنش است. شبکه‌های اجتماعی و هنجارهای همکاری متقابل می‌توانند همکاری را برای منافع متقابل تسهیل کنند. شبکه متراکمی از روابط متقابل، احساس مشارکت را در فرد گسترش می‌دهد و ترجیح افراد را برای عمل جمعی بیشتر می‌کند (پاتنام، ۱۹۹۵). پاتنام در تحقیق خود در جامعه آمریکا اشاره می‌کند که کسانی که به شبکه‌های غیررسمی بیشتری تعلق دارند، بیشتر مایلند که وقت و پول خود را به انجام دادن کارهای داوطلبانه اختصاص دهند. به نظر او سرمایه اجتماعی حائز بیشترین تأثیر بر درگیری افراد در این کنش‌ها است. اعتماد نیز از عناصر ضروری همکاری است و وجود نهادهای همکاری جویانه مستلزم اعتماد بین اشخاص است؛ بنابراین حسن شهرت و قابل اعتماد بودن سرمایه‌بالارزش هر کسی است که می‌خواهد عضو انجمن‌ها شود. هنجار عمل متقابل^۱ نیز مرکز ثقل انجمن‌هاست؛ این هنجار از مولدترین اجزای سرمایه اجتماعی است. جوامعی که از این هنجار پیروی می‌کنند به گونه‌ای مؤثر می‌توانند مشکلات عمل جمعی را حل کنند. فوکویاما (۱۹۹۴، ۱۳۷۹) سرمایه اجتماعی را در رابطه با توسعه اقتصادی در نظر می‌گیرد و معتقد است که سطوح بالای سرمایه اجتماعی، صداقت و اعتماد، افراد را به انجام دادن کارهای مشارکتی و تعاونی مشتاق می‌سازد. از نظر فوکویاما سرمایه اجتماعی هنجارهای غیررسمی جافتاده‌ای است که همکاری میان دو یا چند نفر را تشویق می‌کند. سرمایه اجتماعی موجب می‌شود اعضای جامعه به هم اعتماد^۲ کنند و با تشکیل گروه‌ها و سازمان‌های جدید با هم همکاری نمایند. فوکویاما وجود انجمن‌ها را در جامعه آمریکا حاکی از وجود اعتماد می‌داند. به نظر او جامعه‌ای که سرمایه اجتماعی بیشتری دارد قادر به ایجاد سازمان‌های گوناگون است چرا که

1. Reciprocity

2. Trust

درجه بالاتری از اعتماد سبب ایجاد و ظهور روابط اجتماعی متنوعی می‌شود.

۲. دیدگاه‌های خوردنگر: نظریه شبکه، سرمایه اجتماعی را دسترسی‌های افراد به شبکه‌های روابط شخصی و اجتماعی در نظر می‌گیرد. از این نظر سرمایه اجتماعی متعلق به یک شخص است. نظریه شبکه، سرمایه اجتماعی را از خلال نوع شبکه‌ها و ماهیت و خصوصیت روابط و پیوندها توضیح می‌دهد. از این نظر میزان منابع موجود در شبکه و دسترسی شخص به آن‌ها میزان سرمایه اجتماعی او را تعیین می‌کند. عاملان یا کنش‌های خود این منابع را به دست می‌آورند و یا حفظ می‌کنند. موفقیت یک کنش به‌طور مستقیم با سرمایه اجتماعی شخص در رابطه است (لین، ۲۰۰۲).

به نظر بورديو، سرمایه اجتماعی تجمع منابع واقعی و بالقوه است که با مالکیت شبکه روابط اجتماعی مرتبط می‌باشد. از نظر او سرمایه اجتماعی از دو بعد شبکه روابط و پیوندهای اجتماعی و معاشرت‌پذیری تشکیل شده است. سرمایه اجتماعی کیفیتی است که از طریق روابط بین عاملان تولید می‌شود و میزان سرمایه اجتماعی هر عامل به اندازه شبکه روابطی که او به‌طور مؤثر می‌تواند به تحرک و دارد و نیز سرمایه‌های که با او مرتبط‌اند بستگی دارد. بازتولید سرمایه اجتماعی تلاش مداوم در معاشرت‌پذیری را بر دارد؛ یعنی رشته مداومی از مبادلات که در آن شناخت‌های متقابل به‌طور مداوم تصدیق می‌شود (بورديو، ۱۹۸۵). بنابراین روابط فرد با دیگران و نیز طرز عمل این روابط و این‌که شخص چگونه می‌تواند این روابط را در طول زمان برقرار کند و به حداکثر برساند، سرمایه اجتماعی فرد را تشکیل می‌دهد (مک دانیل، ۲۰۰۴).

۳. پیوند سطح خرد و سطح کلان: با توجه به الگوی نظری جیمز کلمن و تلقی او از سرمایه اجتماعی، می‌توان دیدگاه او را در مورد سرمایه اجتماعی به‌عنوان اتصال از سطح خرد به کلان در نظر گرفت. کلمن منابع اجتماعی ساختاری در شبکه روابط اجتماعی را دارایی سرمایه‌ای برای فرد و به‌عنوان سرمایه اجتماعی در نظر می‌گیرد. نظام کنش‌های متقابل و روابط اجتماعی بین کنشگران و خصوصیات آن سرمایه اجتماعی را به وجود می‌آورد. یعنی سرمایه اجتماعی هنگامی به وجود می‌آید که روابط میان افراد به گونه‌ای دگرگون می‌شود که کنش را تسهیل می‌کند. کلمن سرمایه اجتماعی را در سطحی کلان نیز در نظر می‌گیرد و معتقد است سازمان‌های داوطلبانه افرادی را که جزء آن ساختار هستند منتفع می‌کنند. از نظر او این سازمان‌ها بدون میزان زیادی از قابلیت اعتماد نمی‌توانند به وجود بیایند، به همین دلیل انجمن‌ها در مناطقی که با گسختگی اجتماعی زیاد و به‌عبارت دیگر با فقدان سرمایه اجتماعی روبه‌رو هستند نمی‌توانند ایجاد شوند (کلمن، ۱۳۷۷: ۴۶۶). در واقع الگوی نظری کلمن موجبات حرکت از سطح خرد به

سطح کلان را در این زمینه فراهم می‌کند؛ به نظر او در هر نظریه‌ای اجزای سه‌گانه‌ای وجود دارند: رابطه متضمن حرکت از سطح کلان به خرد، رابطه متضمن حرکت از سطح خرد به کلان و رابطه مبتنی بر اصل کنشی که رفتارهای کنشگران را توصیف می‌کند. زمانی که کنش‌های افراد مختلف به شیوه‌های متفاوت ترکیب می‌شوند، موجب رفتار سیستمی متفاوت یعنی پدیده‌های اجتماعی مختلف می‌گردند (همان: ۲۸). بنابراین سرمایه اجتماعی هم در سطح روابط بین کنشگران و هم در سطح کلان و به عنوان دارایی جمعی قابل طرح است. ایجاد این دارایی جمعی نیز از خلال روابط بین کنشگران می‌باشد.

اگرچه برخی نظریه‌ها، انجمن‌های داوطلبانه را شاخص سرمایه اجتماعی محسوب می‌کنند، اما در واقع انجمن‌های مزبور شاخص سرمایه اجتماعی جوامع در سطح کلان است. با توجه به الگوی کلمن، سطوحی از سرمایه اجتماعی در سطح افراد ایجاد آن را در سطح کلان تسهیل می‌کند. ایجاد سرمایه اجتماعی در سطح کلان که شاخص آن سازمان‌های داوطلبانه می‌باشند به روابط و کنش‌های متقابل در سطح خرد یعنی سرمایه اجتماعی افراد بستگی دارد (کامرسگارد، ۱۹۹۹؛ فالک و کیلیاتریک ۱۹۹۹). پیش‌شرط ایجاد سازمان‌ها وجود کمیته کافی از کنش‌های متقابل به همراه کیفیاتی در آن است. یعنی فراوانی کنش‌های متقابل با افراد شبکه و نیز وجود هنجارهای عمل متقابل و اعتماد در این روابط در ایجاد پدیده‌های سطح کلان مؤثرند.

در بخش دیگری از این تحلیل باید به رابطه ارزش‌های فرامادی و سرمایه اجتماعی اشاره کرد. پاتنام در بیان دلایل کاهش سرمایه اجتماعی در آمریکا به تأثیر تلویزیون اشاره می‌کند که با تأکید بر ارزش‌های مادی باعث تحلیل سرمایه اجتماعی می‌شود؛ به نظر او خصوصاً شدن و مادی شدن فعالیت‌های افراد باعث کاهش سرمایه اجتماعی است (پاتنام، ۲۰۰۰: ۲۴۲). تحقیقات دیگری نیز اشاره می‌کنند که ارزش‌های مادی و تأکید بر پول با اعتماد اجتماعی رابطه منفی دارند و فرامادی‌گرایی مهم‌ترین عامل پیش‌بینی‌کننده سرمایه اجتماعی و فعالیت در انجمن‌ها است (پاتولنی، ۲۰۰۴). مازلو نیز معتقد است که ارزش‌های تعلق و محبت باعث تمایل افراد به رابطه عاطفی و صمیمانه با مردم و خروج از انزوا است. ارزش‌های احترام به خویش باعث تمایل فرد به شایستگی و اعتماد می‌شود و ارزش‌های خود شکوفایی نیز احساس تعهد و مسئولیت را در فرد ایجاد می‌کنند (مازلو، ۱۳۶۹: ۲۳۳).

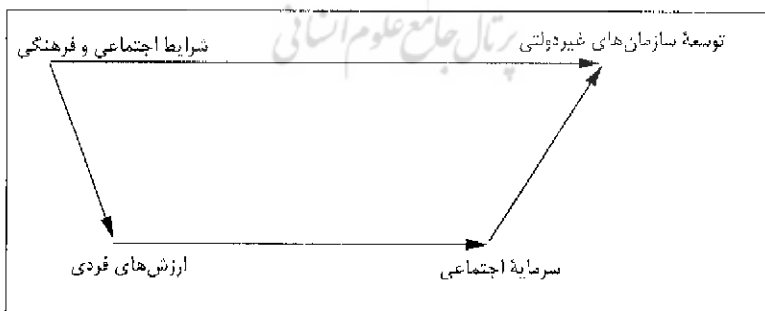
بنابراین، افرادی که روابط اجتماعی بیشتری دارند و کیفیت این روابط نیز از نظر وجود اعتماد و هنجارهای عمل متقابل بیشتر است، تمایل بیشتری برای عضویت و مشارکت در سازمان‌های داوطلبانه دارند. ارزش‌های فرامادی نیز با ایجاد انگیزه بیشتری برای روابط با دیگران

بر مشارکت مؤثرند. افرادی که دارای ارزش‌های فرامادی‌اند، به برقراری روابط با دیگران و ایجاد کیفیاتی از نوع اعتماد و همکاری در این روابط متمایل هستند و بدین طریق احساس تعلق، احترام و خودشکوفایی می‌کنند. این روابط و کیفیات آن به ایجاد انجمن‌ها و سازمان‌ها منجر می‌گردد. متغیرهای زمینه‌ای مانند سن، تحصیلات، پایگاه اجتماعی، جنسیت و شغل نیز در این میان مؤثرند. نظریه پردازان جنبش‌های اجتماعی جدید به نقش پایگاه اجتماعی افراد مشارکت‌کننده در این جنبش‌ها و نیز تأثیر تحصیلات و جنسیت و سن بر مشارکت افراد تأکید می‌کنند.

۳. مدل تحلیلی و فرضیات تحقیق

مهم‌ترین یافته نظری این پژوهش به چگونگی رابطه سطح کلان و خرد در مشارکت در سازمان‌های غیردولتی بازمی‌گردد. از لحاظ نظری، این سؤال وجود دارد که چگونه شرایط اجتماعی در سطح کلان به ایجاد و توسعه سازمان‌های غیردولتی می‌انجامد. ساز و کار این تأثیرگذاری را از یک سو در سطح کلان و از سوی دیگر در سطح خرد می‌توان جست‌وجو کرد. شرایط اجتماعی خاص علاوه بر تأثیر مستقیم بر گسترش سازمان‌های غیردولتی به گسترش ارزش‌های فرامادی در بین افراد می‌انجامد که این ارزش‌ها سرمایه اجتماعی در سطح افراد را تقویت می‌کنند و این سرمایه اجتماعی نیز به نوبه خود در توسعه سازمان‌های غیردولتی در سطح کلان تأثیر می‌گذارد. با الهام از آرای کلمن در خصوص پیوند بین سطح خرد و کلان، عوامل مؤثر بر ایجاد و گسترش سازمان‌های غیردولتی در دو سطح مزبور را می‌توان به صورت مدل نظری بیان کرد (نمودار شماره ۱).

نمودار ۱. مدل نظری پژوهش



با توجه به چارچوب نظری انتخاب شده و با توجه به این‌که افراد واحد تحلیل و نیز واحد مشاهده این پژوهش را تشکیل می‌دهند، مدل نظری را می‌توان در قالب یک مدل تحلیلی

ملموس‌تر به عنوان راهنمای پژوهش ارائه کرد (نمودار شماره ۲). این مدل تحلیلی تأثیر انواع متغیرهای زمینه‌ای همچون سن، جنسیت، تحصیلات، شغل و پایگاه اجتماعی-اقتصادی را بر ارزش‌ها، سرمایه اجتماعی و مشارکت افراد در سازمان‌های غیردولتی و از سوی دیگر، تأثیر ارزش‌ها و سرمایه اجتماعی را بر مشارکت در این سازمان‌ها مورد نظر قرار می‌دهد. از مدل تحلیلی پژوهش می‌توان فرضیات زیر را استخراج کرد:

— هر چه سرمایه اجتماعی افراد بالاتر باشد، مشارکت آن‌ها در سازمان‌های غیردولتی بیشتر است.

— هر چه ارزش‌های فرامادی در افراد بیشتر باشد، مشارکت آن‌ها در سازمان‌های غیردولتی بیشتر است.

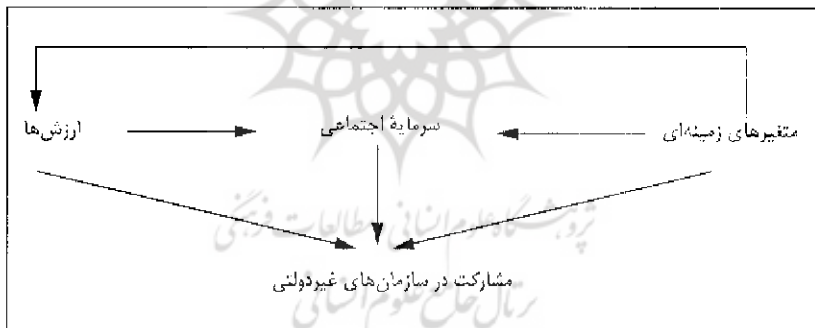
— هرچه ارزش‌های فرامادی در افراد بیشتر باشد، سرمایه اجتماعی آن‌ها بیشتر است.

— بین متغیرهای زمینه‌ای و مشارکت در سازمان‌های غیردولتی رابطه وجود دارد.

— بین متغیرهای زمینه‌ای و سرمایه اجتماعی رابطه وجود دارد.

— بین متغیرهای زمینه‌ای و ارزش‌ها رابطه وجود دارد.

نمودار ۲. مدل تحلیلی پژوهش



۴. روش تحقیق

جامعه آماری این تحقیق جوانان ۳۰-۱۴ ساله ساکن مناطق مختلف شهر تهران می‌باشند. سالنامه آماری ۱۳۷۸ تعداد این جامعه آماری را ۱,۳۶۴,۰۸۳ نفر نشان می‌دهد. تعداد جامعه نمونه با استفاده از فرمول کوکران معادل ۳۷۵ نفر محاسبه شده است. نیمی از این تعداد در سازمان‌های غیردولتی و بقیه در سطح شهر تهران در نظر گرفته شدند. در این پژوهش با استفاده از لیست تشکلی‌های غیردولتی جوانان تهران ۱۰۰ تشکلی انتخاب و دو نفر از اعضای هر کدام از این سازمان‌ها به عنوان پاسخگو انتخاب شدند. بخش دیگر پاسخگویان نیز از مناطق ۲۲گانه

شهر تهران انتخاب شدند. در این تحقیق مناطق ۲۲ گانه شهر تهران با توجه به تشابه ویژگی‌ها به سه گروه بزرگ‌تر تقسیم شدند و در هر گروه یک منطقه به‌طور تصادفی انتخاب شد که شامل مناطق ۴، ۱۰ و ۱۶ بودند. سپس در هر یک از مناطق، خیابان‌های اصلی و فرعی و کوچه‌ها به تصادف انتخاب و در نهایت پرسشگری از درب منازل آغاز گردید. در این پژوهش واحد تحلیل و نیز واحد مشاهده فرد می‌باشد و برای اندازه‌گیری متغیرها و جمع‌آوری داده‌ها از پرسشنامه کتبی ۸۰ سؤال استفاده شده است. که براساس پایه‌های نظری و نیز تعریف و سطوح اندازه‌گیری متغیرها تنظیم شده است. سوالات و گویه‌ها به صورت‌های متفاوت از جمله سوالات دوگزینه‌ای و چندگزینه‌ای (به‌ویژه در مقیاس لیکرت) در یکی از سطوح اندازه‌گیری اسمی، ترتیبی، فاصله‌ای و نسبی مطرح شده‌اند. آزمون اصلی پس از آزمون مقدماتی پرسشنامه و تعیین روایی مقیاس‌های اصلی پژوهش و حذف گویه‌های نامناسب صورت گرفته است. پردازش و تجزیه و تحلیل آماری اطلاعات با استفاده از آمار توصیفی و آمار استنباطی و توسط نرم‌افزار SPSS.11 انجام شده است.

تعریف مفاهیم و متغیرها

ارزش‌ها: ارزش‌ها معیارها و اصولی هستند که مردم توسط آن‌ها موضوعات، ایده‌ها، کنش‌ها، احساس‌ها و حوادث و مطلوبیت نسبی، شایستگی و صحتشان را ارزیابی می‌کنند. ارزش‌ها را می‌توان به دو دسته تقسیم نمود: ارزش‌های مادی، ارزش‌های فرامادی. ارزش‌های فرامادی عبارتند از مطلوبیت و مورد تقاضا بودن معیارهای مربوط به امور و نیازهای غیرمادی، مانند تعلق خاطر، محبت، احترام و تحقق خویش. در تعریف عملیاتی، اهمیت قائل شدن فرد برای امور غیرمادی در زندگی فردی (مانند روابط صمیمانه، حیثیت، افتخار، شهرت) مد نظر قرار می‌گیرد.

ارزش‌های مادی عبارتند از مطلوبیت و مورد تقاضا بودن معیارها و اصول مربوط به نیازهای مادی مانند نیازهای ایمنی و فیزیولوژیک. در تعریف عملیاتی اهمیت قائل شدن فرد برای امور و مسائل ایمنی و مادی در جامعه (مانند رشد اقتصادی، مبارزه با تبهکاران، نیروهای دفاعی، نظم) و نیز امور و مسائل مادی در زندگی فردی (مانند پول، پس‌انداز، شغل دائمی و...) مورد نظر قرار می‌گیرد. از پاسخگویان خواسته شد که موارد فوق را از نظر خود اولویت‌بندی کنند. بنابراین یک مقیاس اسمی از آن ساخته شد که در نهایت با جمع نمرات در تحلیل‌ها به عنوان مقیاس فاصله‌ای مورد استفاده قرار گرفت که از ۱۲ تا ۲۴ در نوسان می‌باشد.

سرمایه اجتماعی: سرمایه اجتماعی، منابع ساختاری در شبکه و روابط اجتماعی است

که کنش‌های خاصی را در ساختار اجتماعی تسهیل می‌کند (کلمن ۱۳۷۹). منظور از سرمایه اجتماعی دارای سرمایه‌ای برای فرد است که شامل شبکه روابط و کیفیت روابط شخص می‌باشد. کیفیت روابط نیز اعتماد متقابل و هنجارهای عمل متقابل را در بر می‌گیرد:

روابط: پیوندهای عینی بین افراد است که بر ارتباطات و تماس‌های افراد با یکدیگر دلالت دارد. منظور از روابط میزان تماس و ارتباط افراد با اعضای شبکه خود یعنی خانواده، دوستان، همکاران و همکلاسی‌ها، همسایگان و خویشان می‌باشد. برای سنجش روابط افراد از مقیاسی با ۲۱ گویه در قالب طیف لیکرت با ضریب آلفای ۰/۸ استفاده شد.

هنجارهای متقابل: به نظر پاتنام هنجار عمل متقابل از یکسری رویه‌ها تشکیل شده که در کوتاه‌مدت نوع دوستانه است، اما روی هم رفته هر شرکت‌کننده‌ای را منتفع می‌کند. این هنجار نوعی الگوی عملی است که فرد طبق آن در انجام دادن امور به منافع سایرین توجه می‌کند و گاهی آن را مقدم می‌داند (ادوارد، ۲۰۰۴). منظور از هنجار عمل متقابل تمایل فرد به انجام دادن کمک‌های فکری یا مالی به اعضای شبکه و تمایل آنان به انجام دادن این کمک‌ها برای فرد است. برای سنجش هنجارهای متقابل از مقیاسی با ۱۴ گویه در قالب طیف لیکرت با ضریب آلفای ۰/۸۳ استفاده شد.

اعتماد: اعتماد سطح اطمینان مردم نسبت به یکدیگر است مبنی بر اینکه سایرین طبق انتظار عمل می‌کنند و آنچه می‌گویند قابل اطمینان است. اعتماد متقابل به منزله داشتن حسن‌ظن به دیگران در روابط بینابین و بیانگر قابل اعتماد بودن، صداقت داشتن، پایبندی به قول و قرارها در بین اعضای شبکه می‌باشد. برای سنجش اعتماد از مقیاسی با ۲۰ گویه در قالب طیف لیکرت و با ضریب آلفای ۰/۸۵ استفاده گردید.

شاخص سرمایه اجتماعی از جمع نمرات روابط، هنجار عمل متقابل و اعتماد به عنوان اجزای سرمایه اجتماعی ساخته شد و میزان آن از ۵۴ تا ۲۷۵ در نوسان است.

مشارکت: مشارکت به معنای شرکت فعالانه افراد در حیات سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و به‌طور کلی در تمامی ابعاد حیات است (ساروخانی، ۱۳۷۰: ۵۲۱). مشارکت اجتماعی از انواع مهم مشارکت محسوب می‌شود و انواع انجمن‌ها و سازمان‌های غیردولتی از عرصه‌های مشارکت اجتماعی هستند. منظور از مشارکت در سازمان غیردولتی، عضویت، انجام دادن فعالیت‌ها است تا صاحب مقام و مسئولیت بودن در یک سازمان غیردولتی.

برای سنجش میزان مشارکت از مقیاس چاپین استفاده شد که شامل ۵ جزء: ۱. عضویت ۲. انجام دادن فعالیت‌ها ۳. کمک مالی ۴. عضویت در کمیته‌ها ۵. صاحب مقام و مسئولیت

خاصی بودن است (میلر، ۱۳۸۰). هر کدام از این موارد در سطح سنجش اسمی می‌باشند اما از ۱ تا ۵ نیز می‌توان آن‌ها را نمره‌گذاری کرد.

متغیرهای زمینه‌ای: سن، جنسیت، تحصیلات، شغل و پایگاه اجتماعی-اقتصادی جزء متغیرهای زمینه‌ای اند. پایگاه اجتماعی-اقتصادی جایگاهی است که هر کس در ساخت اجتماعی اشغال می‌کند. وضع و اعتبار اجتماعی است که در بطن جامعه‌ای که فرد در آن زندگی می‌کند به او در ابعاد مختلف تفویض می‌شود (افروخ، ۱۳۷۷: ۲۴۸). با توجه به جامعه آماری این تحقیق که جوانان ۳۰-۱۴ ساله می‌باشند، ویژگی‌های اقتصادی و اجتماعی در رابطه با خانواده آن‌ها در نظر گرفته می‌شود. یعنی در سنجش پایگاه به ویژگی‌های اقتصادی خانواده شامل درآمد خانواده، نوع منزل مسکونی، مالکیت یا عدم مالکیت وسیله نقلیه و ویژگی‌های اجتماعی شامل منزلت شغلی پدر، تحصیلات پدر و مادر توجه می‌شود.

۵. یافته‌های پژوهش

در این بخش یافته‌های تحقیق بیان می‌شود. ابتدا روابط یک متغیری و سپس روابط دو متغیری و چند متغیری مورد بررسی قرار می‌گیرند و در پایان برای تعیین تأثیرات مستقیم و غیرمستقیم متغیرهای موجود در مدل تحلیلی تحلیل مسیر انجام می‌شود.

۵-۱. تحلیل یک‌متغیره

میانگین سنی جامعه نمونه، که ۳۰-۱۴ ساله بودند، ۲۲/۲۳ است. از نظر جنسیت نیز ۵۳/۶ مرد و ۴۳/۷ زن می‌باشند. ۶۹ درصد افراد، تحصیلات دیپلم و فوق‌دیپلم دارند. ۱۹ درصد لیسانس و بالاتر می‌باشند و ۱۲ درصد نیز زیر دیپلم هستند. ۴۶ درصد از افراد جامعه نمونه شاغل به تحصیل، ۲۷ درصد بی‌کار، ۲۷ درصد شاغل می‌باشند. از نظر پایگاه اجتماعی اقتصادی ۴ درصد پایگاه بالا، ۶۶ درصد پایگاه متوسط و ۳۰ درصد پایگاه پایین دارند.

۵-۲. تحلیل دو متغیره:

تعیین دو متغیری سرمایه اجتماعی: رابطه سرمایه اجتماعی با تحصیلات و پایگاه اجتماعی که از طریق ضریب همبستگی پیرسون محاسبه شده معنادار و میزان آن‌ها به ترتیب ۰/۱۸ و ۰/۲۹ می‌باشد. یعنی هر چه تحصیلات و پایگاه اجتماعی افراد بالاتر باشد، سرمایه اجتماعی بالاتری را دارند، بدین معنا که با افراد شبکه خود کنش متقابل بیشتری دارند و هنجارهای متقابل و اعتماد در روابط آن‌ها بیشتر وجود دارد. سن و سرمایه اجتماعی رابطه معناداری با همدیگر ندارند (جدول شماره ۱).

جدول ۱. رابطه بین سرمایه اجتماعی با سن، تحصیلات و پایگاه اقتصادی

وابسته	سن		تحصیلات	پایگاه اجتماعی، اقتصادی
	مستقل	مستقل		
سرمایه اجتماعی	۳	۰/۰۸۳	۰/۱۸	۰/۳۹
	sig	۰/۱۲	۰/۰۰۲	۰/۰۰۰

رابطه سرمایه اجتماعی و جنسیت از طریق ۱ استیودنت آزمون شده و معنادار می‌باشد، به طوری که میانگین سرمایه اجتماعی برای زنان کمتری را نشان می‌دهد. زنان نسبت به مردان کمتر با اعضای شبکه خود در کنش متقابل می‌باشند و هنجار عمل متقابل و اعتماد کمتری در روابط خود دارند (جدول شماره ۲). رابطه سرمایه اجتماعی با شغل نیز معنادار است. این رابطه از طریق تحلیل واریانس یک طرفه مورد بررسی قرار گرفت و نشان داد که سرمایه اجتماعی در بین افراد شاغل به تحصیل نسبت به افراد بیکار یا شاغل به طور معناداری میزان بیشتری را نشان می‌دهد (جدول شماره ۵).

جدول ۲. آزمون تفاوت میانگین‌های سرمایه اجتماعی در بین زنان و مردان

جنسیت	میانگین	T	درجه آزادی	سطح معناداری
زن	۱۸۸/۷	-۳/۱۶	۳۶۳	۰/۰۰۲
مرد	۱۹۹/۶			

تیبین دو متغیری ارزش‌ها: رابطه ارزش‌ها با تحصیلات و پایگاه اجتماعی که از طریق ضریب همبستگی پیرسون محاسبه شده معنادار و شدت آن‌ها به ترتیب ۰/۱۹ و ۰/۲۱ است. بنابراین هر چه تحصیلات و پایگاه اجتماعی افراد بالاتر باشد، ارزش‌ها به سمت فرامادی بودن سوق می‌یابد. اما سن و ارزش‌ها رابطه معناداری ندارند. رابطه ارزش‌ها و سرمایه اجتماعی نیز معنادار است و میزان ضریب همبستگی پیرسون برای دو متغیر ۰/۲۶ می‌باشد. هر چه ارزش‌های افراد به سمت فرامادی سوق می‌یابد، سرمایه اجتماعی آن‌ها نیز بیشتر می‌شود؛ اهمیت قائل شدن افراد برای امور غیرمادی در جامعه و زندگی فردی، مانند احترام، حیثیت و تحقق خود، سبب کنش متقابل بیشتر آن‌ها با اعضای شبکه‌شان و نیز ارزش‌های هنجارهای همکاری و اعتماد در این روابط می‌شود. (جدول شماره ۳).

جدول ۳. رابطه بین ارزش‌ها با سن، تحصیلات، پایگاه اجتماعی و سرمایه اجتماعی

سرمایه اجتماعی	پایگاه اجتماعی، اقتصادی	تحصیلات	سن		وابسته / مستقل
			۲	۰/۰۸	ارزش‌ها
۰/۲۶	۰/۲۱	۰/۱۹	۰/۰۸	۲	
۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۱	۰/۰۹	sig	

رابطه ارزش‌ها و جنسیت نیز که از طریق ۱ استودنت آزمون شده معنادار است و میانگین ارزش‌ها در بین زنان میزان بیشتری را نشان می‌دهد یعنی زنان ارزش‌های فرامادی بیشتری دارند (جدول شماره ۴). رابطه ارزش‌ها و شغل نیز معنادار است. میانگین ارزش‌ها در بین افراد شاغل به تحصیل بیشتر است، یعنی این افراد ارزش‌های فرامادی بیشتری دارند. (جدول شماره ۵)

جدول ۴. جدول مقایسه میانگین ارزش‌ها بر حسب جنسیت

ارزش‌ها	جنسیت	میانگین	T	درجه آزادی	سطح معناداری
					۰/۰۴
	مرد	۱۷/۲۱			

جدول ۵. آزمون تفاوت میانگین سرمایه اجتماعی و ارزش‌ها بر حسب شغل

ارزش‌ها	سرمایه اجتماعی	میانگین		تفاوت میانگین‌ها (Anova)
		شغل	شغل	
۱۷/۷	۱۸۹/۳	شاغل به تحصیل	شاغل به تحصیل	نتایج توصیفی
۱۷/۵	۱۷۴/۵	شاغل	شاغل	تحلیل واریانس
۱۷/۰۳	۱۶۵/۱	بیکار	بیکار	
۱۳/۵۳	۲۸۶۵۶/۵	مجموع مجذورات بین گروهی	مجموع مجذورات بین گروهی	آزمون تفاوت
۴۸۳/۵۲	۲۸۸۶۶/۱۶	و درون گروهی	و درون گروهی	میانگین‌ها
۳/۲۳	۱۱/۹	کمیت ۱۰	کمیت ۱۰	(Anova)
۰/۰۳	۰/۰۰۰	سطح معناداری	سطح معناداری	

تبیین دومتغیری عضویت در سازمان‌های غیردولتی: رابطه عضویت افراد در سازمان‌های غیردولتی و متغیرهای مستقل از طریق ۱ استیودنت مورد بررسی قرار گرفت. میانگین میزان تحصیلات، پایگاه اجتماعی، سرمایه اجتماعی و ارزش‌ها برای افراد عضو این سازمان‌ها میزان

بیشتری را نشان می‌دهد. شدت این روابط از طریق ضریب اتا (Eta) بررسی شده است. (جدول شماره ۶).

جدول ۶: رابطه عضویت در سازمان‌های غیردولتی و سایر متغیرها

تحصیلات	پایگاه اجتماعی و اقتصادی	سرمایه اجتماعی	ارزش‌ها	وابسته
				مستقل
۰/۵۸	۰/۵۱	۰/۷۶	۰/۵۱	عضویت در سازمان‌های غیردولتی

میزان ضرایب همبستگی نسبتاً بالایی را بین متغیرهای مستقل و عضویت نشان می‌دهند. هر چه ارزش‌های فرامادی و سرمایه اجتماعی افراد بیشتر باشد، احتمال عضویت آن‌ها در سازمان‌های غیردولتی بیشتر است. همچنین هر چه پایگاه اجتماعی و تحصیلات افراد بالاتر باشد، احتمال عضویت آن‌ها نیز بیشتر است. سن و عضویت رابطه معناداری ندارند. رابطه جنسیت و عضویت نیز از طریق کای اسکوتر بررسی شد و رابطه معناداری بین این دو متغیر مشاهده نشد، یعنی دختران و پسران به یک میزان به عضویت این سازمان‌ها درمی‌آیند. رابطه شغل و عضویت نیز از طریق کای اسکوتر بررسی و مشاهده شد که افراد شاغل به تحصیل احتمال عضویت‌شان در این سازمان‌ها بیشتر است. شدت این رابطه از طریق ضریب لاندا محاسبه شده و میزان آن ۰/۲۳ می‌باشد (جدول شماره ۷).

جدول ۷: عضویت در سازمان‌های غیردولتی بر حسب شغل افراد

جمع	غیرعضو		عضو		شغل
	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	
۹۷	۲۶	۳۶	۵۷	۶۱	شاغل به تحصیل
۹۵	۴۷	۶۳	۳۰	۳۲	شاغل
۵۱	۲۷	۳۷	۱۳	۱۴	غیرشاغل
۲۴۳	۱۰۰	۱۴۶	۱۰۰	۱۰۷	جمع

کای اسکوتر: ۲۳/۸

سطح معناداری: ۰/۰۰۰

لاندا: ۰/۲۳

تبیین دومتغیری مشارکت در سازمان‌های غیردولتی: رابطه مشارکت در سازمان‌های غیردولتی و متغیرهای مستقل سن، تحصیلات، پایگاه اجتماعی-اقتصادی، ارزش‌ها و سرمایه

اجتماعی از طریق ضریب همبستگی پیرسون محاسبه شده است. این متغیرهای مستقل، به جز سن، با مشارکت در سازمان‌های غیردولتی رابطه معنادار و مثبت نشان می‌دهند. هر چه سرمایه اجتماعی افراد افزایش یابد، یعنی هر چه کنش متقابل بیشتری با افراد شبکه‌شان داشته باشند و نیز کیفیت این روابط از نظر هنجارهای عمل متقابل و اعتماد بیشتر باشد، میزان مشارکت آن‌ها در سازمان‌های غیردولتی بیشتر است. همچنین هر چه ارزش‌های فرامادی بیشتر، تحصیلات و پایگاه اجتماعی بالاتری داشته باشند. مشارکت آن‌ها در سازمان‌های غیردولتی نیز بیشتر است (جدول شماره ۸).

جدول ۸. رابطه میزان مشارکت در سازمان‌های غیردولتی با سایر متغیرها

تحصیلات	پایگاه اجتماعی و اقتصادی	سن	سرمایه اجتماعی	ارزش‌ها		وابسته
				۳	۲	مستقل
۰/۳۷	۰/۲۵	۰/۰۳۶	۰/۳	۰/۲۳	۳	مشارکت در سازمان‌های غیردولتی
۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۷۱	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	sig	

رابطه میزان مشارکت و جنسیت از طریق آستودنت بررسی شد. میانگین مشارکت برای دختران ۷/۱۱ و برای پسران ۱۰/۴۷ می‌باشد. این میانگین در بین دو گروه تفاوت معناداری را نشان می‌دهد و میزان مشارکت دختران کمتر از پسران است. رابطه مشارکت و شغل از طریق واریانس یک‌طرفه آزمون شد. میانگین میزان مشارکت در بین افراد شاغل به تحصیل به‌طور معناداری بیشتر بود. یعنی افراد شاغل به تحصیل مشارکت بیشتری در این سازمان‌ها دارند.

۳-۵. تحلیل چندمتغیری:

در این بخش مدل‌های رگرسیونی متغیرهای سرمایه اجتماعی و ارزش‌ها و در نهایت مشارکت در سازمان‌های غیردولتی بیان می‌شوند و سپس با استفاده از تحلیل مسیر تأثیرات مستقیم و غیرمستقیم متغیرهای موجود در مدل تحلیلی و روابط علی بیان شده در فرضیات ارزیابی می‌شوند. دو متغیر جنسیت به عنوان یک متغیر تصنعی (زن: ۰ مرد: ۱) و شغل از طریق بردارسازی و با مبنای قرار دادن گروه بیکار و خانه‌دار وارد معادله شده‌اند. معادله‌های رگرسیونی استاندارد با کاربرد روش پس‌رونده (Backward Method) با استفاده از ضرایب بتا (β) برای هر متغیر ارائه می‌گردند.

مدل رگرسیونی سرمایه اجتماعی: در این مدل عواملی که بر سرمایه اجتماعی مؤثر

فرض شده بودند، شامل تحصیلات، پایگاه اجتماعی، اقتصادی، جنسیت، سن، شغل و ارزش‌ها، با روش پس رونده وارد معادله شدند که در نهایت پایگاه اجتماعی-اقتصادی، تحصیلات، شغل و ارزش‌ها در معادله باقی ماندند و ضریب تعیین (R^2) معادل ۰/۳۶ به دست آمد، یعنی متغیرهای فوق‌الذکر ۳۶ درصد تغییرات سرمایه اجتماعی را توضیح می‌دهند.

$$\text{شاغلین} (۰/۴۶) + \text{تحصیلات} (۰/۲۶) + \text{پایگاه اجتماعی-اقتصادی} (۰/۱۸) = \text{سرمایه اجتماعی}$$

$$\text{ارزش‌ها} (۰/۱۴) + \text{شاغل به تحصیل} (۰/۷۳)$$

مدل رگرسیونی ارزش‌ها: در تحلیل رگرسیونی ارزش‌ها، کلیه متغیرهای مستقل مؤثر بر ارزش‌ها با روش پس‌رونده وارد معادله شدند و در پایان متغیرهای پایگاه اجتماعی-اقتصادی، شغل، جنسیت و تحصیلات در معادله باقی ماندند. ضریب تعیین (R^2) معادل ۰/۲۶ می‌باشد، یعنی این متغیرها ۲۶ درصد تغییرات ارزش‌ها را پیش‌بینی می‌کنند.

$$\text{تحصیلات} (۰/۱۴) + \text{جنسیت} (۰/۲۱) + \text{شاغل به تحصیل} (۰/۲۵) + \text{پایگاه اجتماعی-اقتصادی} (۰/۴۱) = \text{ارزش‌ها}$$

افراد شاغل به تحصیل به نسبت گروه بیکار ارزش‌های فرامادی بیشتری دارند. همچنین زنان نسبت به مردان از ارزش‌های فرامادی بیشتری برخوردارند.

مدل رگرسیونی میزان مشارکت: در این مدل کلیه متغیرهای مستقل مؤثر بر مشارکت با روش پس‌رونده وارد معادله شدند و سرانجام متغیرهای سرمایه اجتماعی، ارزش‌ها، تحصیلات و پایگاه اجتماعی در معادله باقی ماندند که روی هم رفته ۴۷ درصد تغییرات میزان مشارکت در سازمان‌های غیردولتی را توضیح می‌دهند.

$$\text{تحصیلات} (۰/۲۶) + \text{ارزش‌ها} (۰/۱۷) + \text{سرمایه اجتماعی} (۰/۲) = \text{میزان مشارکت}$$

$$\text{پایگاه اجتماعی-اقتصادی} (۰/۱۵) + \text{تحصیلات} (۰/۲۶)$$

بیشترین تأثیر بر میزان مشارکت در سازمان‌های غیردولتی از سوی تحصیلات و سپس سرمایه اجتماعی و ارزش‌ها می‌باشد.

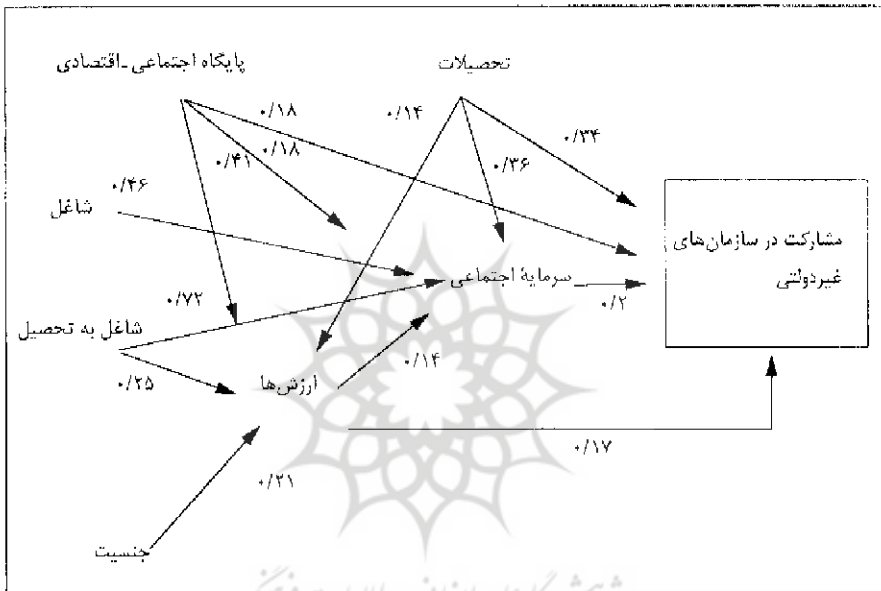
جدول ۹: آمارهای تحلیل چندمتغیری سرمایه اجتماعی، ارزش‌ها و مشارکت

سطح معناداری	میزان معناداری	کمیت F	ضریب تعیین (R^2)	ضریب همبستگی رگرسیون (R)	
۰/۰۰۰		۱۵/۱	۰/۳۶	۰/۶	سرمایه اجتماعی
۰/۰۰۱		۱۲/۵	۰/۲۶	۰/۵۰۷	ارزش‌ها
۰/۰۰۰		۱۳/۷	۰/۴۷	۰/۶۸	مشارکت

۴-۵. تحلیل مسیر

در این پژوهش، برای تعیین تأثیرات مستقیم و غیرمستقیم متغیرهای موجود در مدل تحلیلی و تأثیر روابط علی موجود در فرضیات از تحلیل مسیر استفاده، و با توجه به مدل تحلیلی پژوهش و با استفاده از ضرایب مسیر، دیاگرام تحلیل مسیر ارائه شده است (نمودار شماره ۳).

نمودار ۳. دیاگرام مسیر



همان‌طور که در مدل تحلیل مسیر مشاهده می‌شود، تحصیلات با ضریب مسیر 0/34 اولین تبیین‌کننده مشارکت در سازمان‌های غیردولتی است که با تأثیر بر سرمایه اجتماعی با ضریب مسیر 0/36 و تأثیر بر ارزش‌ها با ضریب مسیر 0/14، به‌طور غیرمستقیم نیز بر مشارکت مؤثر است. پس از تحصیلات، متغیر سرمایه اجتماعی با ضریب مسیر 0/2 بر مشارکت مؤثر است. متغیر ارزش‌ها با ضریب مسیر 0/17 بر مشارکت تأثیر مستقیم دارد و با تأثیر بر سرمایه اجتماعی با ضریب مسیر 0/14 به‌طور غیرمستقیم نیز مشارکت را متأثر می‌کند.

پایگاه اجتماعی-اقتصادی با ضریب مسیر 0/18 بر مشارکت تأثیر مستقیم دارد و با تأثیر بر سرمایه اجتماعی با ضریب مسیر 0/18 و ارزش‌ها با ضریب مسیر 0/41 به‌طور غیرمستقیم نیز بر مشارکت مؤثر است. تأثیر جنسیت بر ارزش‌ها با ضریب مسیر 0/21 نشان می‌دهد که زنان ارزش‌های فرامادی بیشتری دارند. همچنین گروه شاغلان سرمایه اجتماعی بیشتری دارا

می‌باشند. افراد شاغل به تحصیل نیز ارزش‌های فرامادی و سرمایه اجتماعی بیشتری دارند. تأثیر جنسیت و شغل بر مشارکت به‌طور غیرمستقیم و از طریق تأثیر بر ارزش‌ها و سرمایه اجتماعی است.

۶. نتیجه‌گیری

بررسی متغیرهای مستقل تحقیق در بین اعضای سازمان‌های غیردولتی و افراد غیر عضو نشان می‌دهد که اعضای سازمان‌های غیردولتی از ارزش‌های فرامادی بیشتر و سرمایه اجتماعی بیشتری برخوردارند. از آن‌جا که جامعه آماری تحقیق جوانان بودند و سن آن‌ها پراکندگی زیادی نداشت، متغیر سن تأثیر معناداری بر عضویت و مشارکت و سایر متغیرهای مستقل ندارد. از نظر جنسیت، تفاوتی بین اعضای سازمان‌ها و سایرین وجود ندارد و دختران و پسران به یک میزان به عضویت این سازمان‌ها درمی‌آیند. اما میزان مشارکت دختران به‌طور معناداری کمتر از پسران بود. دختران سرمایه اجتماعی کمتری نیز دارا بودند و بنابراین مشارکت کمتری داشتند. میزان مشارکت نیز از متغیرهای مستقل تحقیق تأثیر می‌پذیرد. افرادی که ارزش‌های فرامادی بیشتری را ابراز کرده‌اند و نیز افرادی که سرمایه اجتماعی بیشتری دارند، مشارکت بیشتری نیز در سازمان‌های غیردولتی دارند. ارزش‌ها بر سرمایه اجتماعی نیز مؤثرند. هنگامی که ارزش‌های افراد، به سمت ارزش‌های فرامادی سوق می‌یابد، سرمایه اجتماعی آنان بیشتر می‌شود، کنش متقابل آن‌ها با اعضای شبکه خود افزایش می‌یابد، کیفیت این روابط از نظر وجود هنجارهای عمل متقابل و اعتماد بالا می‌رود و در پی آن مشارکت در سازمان‌های غیردولتی نیز افزایش می‌یابد. میزان مشارکت در سازمان‌های غیردولتی از تحصیلات، پایگاه اجتماعی و شغل نیز تأثیر می‌پذیرد. هر چه تحصیلات افراد بالاتر باشد، مشارکت آن‌ها افزایش می‌یابد. مشارکت با بالا رفتن پایگاه اجتماعی و اقتصادی نیز افزایش می‌یابد. همچنین افراد شاغل به تحصیل مشارکت بیشتری در این سازمان‌ها دارند.

افرادی که دارای ارزش‌های فرامادی می‌باشند و برای روابط اجتماعی، تعلق، حیثیت و معنا اهمیت بیشتری قایل می‌شوند، تمایل بیشتری برای برقراری روابط اجتماعی و ایجاد کیفیاتی نظیر همکاری و اعتماد در این روابط دارند و این امر سبب تمایل آن‌ها به انجام دادن کنش‌های داوطلبانه و جمعی و خیرخواهانه می‌شود. افرادی که در این قبیل گروه‌ها و سازمان‌های غیردولتی درگیر می‌شوند و در آن مشارکت می‌جویند، سوژه‌هایی هستند که حامل ارزش‌ها و علائق خاصی می‌باشند. این افراد بر ضد بیگانگی خود با جامعه و گرایش‌های فرهنگی و اجتماعی بیگانه‌کننده به ستیز برمی‌خیزند. آن‌ها از پذیرش نقش‌های انتسابی خود سر باز

می‌زنند و کنشی را پی می‌گیرند که بر خود تعیین‌کنندگی متمرکز است. آن‌ها با تشکیل گروه‌ها و انجمن‌ها و مشارکت و فعالیت در آن‌ها به معنای همه‌جانبه دست می‌یابند، هویت رو به زوال خود را جست و جو می‌کنند و خود را به دریافت جدیدی از زندگی می‌سپارند.

کنشگران اجتماعی تحت نفوذ ارزش‌ها و هنجارها قرار دارند و این ارزش‌ها و هنجارها در این‌که هدف چیست و چه وسایلی می‌بایست برای نیل به آن انتخاب شوند تأثیر دارند. ارزش‌ها در مناسبات مختلف افراد با جامعه ایجاد می‌شوند، بنابراین افرادی که در شرایط اجتماعی خاصی قرار دارند و در موقعیتی بیگانه یا شرایط موجود از منابع پیشین هویتی خود جدا گشته‌اند دارای جهت‌گیری‌ها و ارزش‌های خاصی می‌شوند که از نیاز آن‌ها در شرایط جدید ناشی می‌گردد. این افراد به دنبال روابط اجتماعی، احترام، حیثیت و تعلق، تحقق خود، کیفیت زندگی و حقوق انسانی می‌باشند و این امور برای آن‌ها حائز اهمیت است. ارزش‌های افراد در این شرایط ارزش‌های فرامادی است. اینان به دنبال خود شکوفایی و داشتن جایگاهی در گروه می‌باشند و به کیفیت زندگی توجه اساسی دارند. در این میان کنش‌های ارتباطی آن‌ها را در یافتن هویت جمعی جدید یاری می‌کنند. در چارچوب‌های شناختی این کنش‌گران، روابط اجتماعی و کیفیات آن نقش اساسی دارد. در واقع، ارزش‌های فرامادی و اهمیت اموری مانند تعلق و محبت و احترام، افراد را به روابط عاطفی و صمیمانه با مردم و خروج از تنهایی و انزوا سوق می‌دهد و ارزش‌های خودشکوفایی، احساس مسئولیت و تعهد را در کنشگر ایجاد می‌کنند به طوری که او کارهای غیرشخصی و خیرخواهانه انجام می‌دهد. این ارزش‌ها احساس همدردی نسبت به انسان‌ها ایجاد می‌کنند و کنشگر تمایلی برای کمک به دیگران می‌یابد. بنابراین در برخی از شرایط اجتماعی، جست و جوی هویت و معنا مراتب فرامادی ارزش‌ها را در افراد فعال می‌کند و آن‌ها را به خروج از انزوا و حرکت به سوی روابط اجتماعی می‌راند و سبب ایجاد سرمایه‌های اجتماعی در افراد می‌شود. این سرمایه اجتماعی به منزله دارایی است که به نوبه خود افراد را به انجام دادن کنش‌های جمعی و داوطلبانه و مشارکت در گروه سوق می‌دهد.

ایجاد و توسعه سازمان‌های غیردولتی نیازمند وجود تمایلات مشارکتی در افراد است. وجود سرمایه‌های اجتماعی در افراد یا وجود کمیته‌ای از کنش‌های متقابل در شبکه روابط افراد و نیز کیفیاتی نظیر هنجار عمل متقابل و اعتماد، آنان را به انجام دادن امور داوطلبانه و فعالیت‌های گروهی و مشارکت در سازمان‌های غیردولتی تشویق می‌کند. در واقع، خروج افراد از حوزه خصوصی خود، گذر از برخی منافع شخصی و اقدام به کنش مشارکتی در سطحی فراتر از شبکه شخصی، نیازمند وجود سرمایه اجتماعی است. بنابراین با توجه به نظریه‌های جامعه‌شناختی مطرح شده و نیز یافته‌های تجربی تحقیق می‌توان گفت که سازمان‌های غیردولتی در جامعه

نمود جنبش‌های اجتماعی جدید محسوب می‌شوند. وجود مشکلات عینی، درک آن توسط افراد، ناتوانی دولت در پاسخگویی به آن و، از سوی دیگر، دغدغه‌های هویتی در افراد و نیاز آن‌ها به منابع جدید هویتی و معنا، عاملان جامعه مدنی را در قالب سازمان‌های غیردولتی و گروه‌ها و انجمن‌ها به صحنه آورده است. همان‌طور که نظریه پردازان جنبش‌های اجتماعی جدید بیان می‌کنند، عاملان این جنبش‌ها افرادی از طبقه متوسط یا بالای جامعه‌اند و از تحصیلات بالاتری برخوردارند. اینگلههارت مشارکت‌کنندگان در جنبش‌های جدید را کسانی می‌داند که در خانواده‌های مرفه رشد کرده‌اند، از نظر سنی جزء گروه‌های جوان می‌باشند و تحصیلات بالاتری دارند. یافته‌های تحقیق، که افراد مورد مطالعه آن جوانان بودند، نشان داد که جوانان دارای تحصیلات و پایگاه اجتماعی-اقتصادی بالاتر مشارکت بیشتری در سازمان‌های غیردولتی دارند، همچنین شغل افراد دارای تأثیر است و گروه‌های دانش‌آموز و دانشجو مشارکت بیشتری را دارا بودند. تحصیلات بالاتر سبب می‌شود که فرد احساس کند دارای شایستگی ذهنی است و می‌تواند در فعالیت‌های مختلف شرکت کند. افزایش سطح مهارت‌ها و اطلاعات سبب روابط اجتماعی بهتر نیز می‌شود و این‌ها زمینه را برای مشارکت فرد فراهم می‌کنند. اما دختران جوان اگرچه ارزش‌های فرامادیشان بیشتر بود، مشارکت کمتری داشتند. چراکه سرمایه اجتماعی کمتری داشتند. بنابراین ارزش‌های فرامادی و سرمایه اجتماعی در پیوند با یکدیگر در افزایش مشارکت افراد در سازمان‌های غیردولتی تأثیرگذارتر می‌باشند.

ایجاد و توسعه سازمان‌های غیردولتی به عنوان ایزه‌هایی در سطح کلان از رهگذر کنش سوزدها در سطح خرد صورت می‌گیرد. در این تحقیق، چگونگی ایجاد و توسعه این سازمان‌ها با توجه به رابطه سطوح خرد و کلان مورد بررسی قرار گرفت؛ شرایط اجتماعی بیگانه‌کننده و جداشدن افراد از منابع هویتی پیشین ارزش‌های فرامادی را در آن‌ها ایجاد می‌کند، و این ارزش‌ها زمینه‌ساز حضور و مشارکت افراد در سازمان‌های غیردولتی و کنش‌گری در جنبش‌های اجتماعی جدید می‌شوند. در واقع کنش‌گرانی که دارای ارزش‌ها و تمایلات خاصی می‌گردند و نیز سرمایه اجتماعی بیشتری دارند، فعالیت در سازمان‌های غیردولتی را به عنوان محمل کنش خود برمی‌گزینند. بنابراین ایجاد و توسعه سازمان‌های غیردولتی در سطح کلان از رهگذر پراکسیس عاملان در سطح خرد ممکن می‌شود. سازگاری مختصات پراکسیس سوزدها در سطح خرد، یعنی فزونی روابط اجتماعی، همراه با هنجارهای همکاری و اعتماد، با ویژگی‌های سازمان‌های داوطلبانه و غیردولتی و به دور از منافع اقتصادی و سیاسی در سطح کلان ناشی از همپوندی‌های این دو سطح با همدیگر می‌باشد.

منابع

- افروغ، عماد (۱۳۷۷) فضا و نابرابری اجتماعی. تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
- ابینگه‌هارت، رونالد (۱۳۷۳) تحول فرهنگی در جامعه پیشرفته صنعتی، ترجمه مریم وتر، تهران، انتشارات کویو.
- پاتنام، روبرت (۱۳۸۰) *دموکراسی و سنت‌های مدنی*. ترجمه محمدتقی دلفروز، تهران، روزنامه سلام.
- پدرام، مسعود (۱۳۷۵) «کنش ارتباطی بنیاد شکوفائی حوزه عمومی»، *کیان*، شماره‌های ۲۲ و ۲۳.
- تورن، آلن (۱۳۸۰) *نقد مدرنیته*. ترجمه مرتضی مردی‌ها، تهران، انتشارات گام نو.
- توکویل، الکسی (۱۳۴۷) *تحلیل دموکراسی در آمریکا*. ترجمه رحمت‌الله مقدم مراغه‌ای، تهران، فرانکلین.
- جلایی‌پور، حمیدرضا (۱۳۸۱) *جامعه‌شناسی جنبش‌های اجتماعی*. تهران، انتشارات طرح نو.
- دورکیم، امیل (۱۳۵۹) *تقسیم کار اجتماعی*. ترجمه حسن حبیبی. تهران، انتشارات قلم.
- سازمان ملی جوانان (۱۳۸۰) وضعیت و نگرش جوانان، گزارش نهایی طرح پژوهشی طرح مشاوره ملی جوانان.
- سعیدی، محمدرضا (۱۳۸۲) *درآمدی بر مشارکت مردمی و سازمان‌های غیردولتی*. تهران، انتشارات سمت.
- فوکویاما، فرانسیس (۱۳۷۹) *پایان نظم*. ترجمه غلامعباس توسلی، تهران، انتشارات جامعه ایرانیان.
- قراخانی، علی (۱۳۸۲) نقش سازمان‌های غیردولتی در تقویت مشارکت اجتماعی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشگاه تهران.
- کاستلز، مانوئل (۱۳۸۰). *عصر اطلاعات: اقتصاد، جامعه و فرهنگ*، ج ۲، قدرت هويت، ترجمه حسن جاوشیان. تهران، انتشارات طرح نو.
- کلمن، جیمز (۱۳۷۷) *بنیادهای نظریه اجتماعی*. ترجمه منوچهر صبوری، تهران، نشر نی.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۰) *پیامدهای مدرنیته*. ترجمه محسن ثلاثی، تهران، نشر مرکز.
- محسنی، منوچهر (۱۳۷۹) *بررسی آگاهی‌ها، نگرش‌ها و رفتارهای فرهنگی-اجتماعی در ایران*. تهران، دبیرخانه شورای فرهنگ عمومی.
- محسنی، منوچهر و شهلا اعزازی (۱۳۸۲) *مشارکت اجتماعی در ایران*. تهران، انتشارات آرون.
- مازلو، آبراهام. اچ. (۱۳۶۹) *انگیزش و شخصیت*. ترجمه احمد رضوانی، مشهد، انتشارات آستان قدس رضوی.
- مقنی‌زاده، محمدحسین (۱۳۷۴) *بررسی مشارکت اجتماعی دانش‌آموزان در فعالیت‌های فوق برنامه با تأکید بر مطالعه در دبیرستان‌های مناطق ۳ و ۱۶ تهران*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی.
- منطقی، مرتضی (۱۳۸۳) «نسل سوم، فرصت‌ها و تهدیدها»، همایش علمی جوانان، امید و آینده، دانشگاه تهران، دانشکده علوم اجتماعی.
- میلر، دلبرت (۱۳۸۰)، *راهنمای سنجش و تحقیقات اجتماعی*. ترجمه هوشنگ ناییبی، تهران، نشر نی.
- نش، کیت (۱۳۸۰) *جامعه‌شناسی معاصر*. ترجمه محمدتقی دلفروز، تهران، انتشارات کویو.
- نودزی، حسینعلی (۱۳۸۱) *بازخوانی هابرماس*، تهران، نشر چشمه.

- Edward, R. w., (2004), *Measuring Social Capital: an Australian Framework and indicators*, www. Abs. gov. au.
- Palk fan, Kilpatrick, Sue, (1999), *What is Social Capital? A study of interaction in a rural community*, Center of research and learning in regional Australia, University of Tasmania, www. Crlra. Utas. Edu. Au.
- Fukuyama, Francis, (1995), *Trust: The social virtues and the creation of prosperity*, New York, Free press.
- Kammersgard, Jesper, (1999), *Causalities between Social Capital and Social Funds*, social protection unit. Human development network. The world Bank.
- Lin, Nan, (2002), *Social Capital: a theory of Social Structure and action*, Cambridge University Press.
- Mc Darel, Schaefer, (2004), *Conceptualizing social capital among young people*, Children, Youth And Enviroments. Vol: 14. No1.
- Melucci, Alberto, (1989), *Nomads of the protest Social movements and individual needs in contemporary Society*, Philadelphia, Temple University press.
- Patulney, R., (2004), *material implication for social capital*, Social policy research center, Sydney, University of new south wales, www.spre. Unsw. Edu. Au/people/Patulny.
- Putnam, Robert, (2000), *Bowling alone: The Collapse and Revival of American Community*. Rockefeller Center.
- Putnam, Robert, D., (1995), *Bowling a lone, American's declining social capitals*, X roads. Virginia. Edu/Detc/assoc/bowling.

محمد امین قانع‌زاد استادیار جامعه‌شناسی است و از ایشان تاکنون کتاب‌ها و مقالاتی در زمینه جامعه‌شناسی معرفتی و نظری به چاپ رسیده است. فریده حسینی فارغ‌التحصیل دوره کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه الزهراء می‌باشد.